

گفت‌وگو با رسول مرادی، هنرمند مشهدی که برای پیشرفت در خوش نویسی مجبور شد پایتخت نشین شود

خلأ اصلی خوش‌نویسی در آموزش‌وپرورش است



الهام ظریفیان| رسول مرادی، خوش‌نویس مشهدی، متولد ۱۳۴۴ در روستای گوارشک که سال ۸۲ به قصد پیشرفت در عرصه خوش‌نویسی به تهران مهاجرت کرد، از اولین هنرمندان مشهدی است‌که آموزش مکاتبه‌ای رااواایل دهه۶۰ بااستاد غلامحسین امیرخانی شروع کرد.اواز سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ ریاست انجمن خوش‌نویسان مشهدرابر عهده داشت واز سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ نیز عضو شورای عالی انجمن خوش‌نویسان ایران بود. مرادی کسب چهار جایزه مسابقات بین‌المللی استانبول ترکیه (IRICA) درکتابت ونستعلیق ۱۹۹۸ و نستعلیق جلی ونستعلیق ۲۰۰۱، دیپلم افتخار جشنواره بزرگ خوش‌نویسی سال امام‌علی^(ع)، جایزه نخست هشتمین نمایشگاه قرآن کریم وجایزه برگزیده جشنواره نوازش قلم رادرکارنامه‌هنری‌اش دارد.

یک صد سرمشق نستعلیق، ترانه‌های روستایی خراسان، مجموعه سرمشق‌های نستعلیق، نوازش قلم، دیوان نفیس حافظ با مقدمه بهاء‌الدین خرمشاهی، در عرصه سیاه مشق، کلک شیرین، ویژه‌نامه سیدحسین میرخانی، مجله حروف عربیه امارات متحده عربی ۲۰۰۲، گزیده غزلیات شمس تبریزی (۷۰۰ غزل) با مقدمه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام با مقدمه دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و... از جمله تالیفات و کتاب‌های منتشرشده‌او به‌شمار می‌رود. آثار این هنرمند تاکنون در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی داخلی و خارجی مختلفی به‌نمایش درآمده است. بااین هنرمند مشهدی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

- فکر می‌کنم شما ازاولین شاگردان استادامیرخانی درمشهدبودید. این آشنایی چه‌زمانی وچطورشکل‌گرفت؟ آشنایی من بااستاد به‌اوایل دهه۶۰برمی‌گردد. ابتدا از آثار او استفاده می‌کردم، بعد شروع به مکاتبه‌با استادکردم وبعد از سال ۱۶ اجازه‌گرفتم که‌حضوری خدمت برسم. نزدیک به‌پانزده سال ماهی یک‌بار ازمشهد به‌منزل استاد درتهران می‌رفتم، سرمشق می‌گرفتم وبرمی‌گشتم.

- پیش ازآن چطور مسیرتان به‌خوش‌نویسی کشیده شده‌بود؟ شما دراوایل دهه ۶۰در جریان خوش‌نویسی کاشمر فعال بودید وشعبه‌انجمن خوش‌نویسان رامه‌در این شهررااندازی کرده‌بودید.

- بگذارید ازاول بگوییم. از دوره دبستان درروستای زادگاهم یعنی گوارشک خط را شروع کردم؛ زمانی‌که خوش‌نویسی جزو تکالیف شب بود و معلم‌ها خطشان خوب بود. کلاس سوم که بودم به‌واسطه معلم، آقای جلیل مرکزی که هنوز هم در قید حیات است، به خط علاقه‌مند شدم. آن‌موقع کتاب‌های درسی به‌خط نستعلیق بود وبچه‌ها اغلب خوش‌خط می‌شدند. ششم ابتدایی را که‌تمام کردم، برای ادامه تحصیل درمقطع دبیرستان‌به‌مشهد آمدم وبعد هم در دانشگاه فردوسی زیست‌شناسی خواندم. در دوره دبیرستان تابلو‌نویسی می‌کردم وازاین راه پول درمی‌آوردم. روی تئوبوس‌ها و کامیون‌ها، روی شیشه‌ماغازه‌ها و... می‌نوشتیم. دانشگاه که رفتم به‌خاطر سنگین بودن درس‌ها خط را تقریبا کنار گذاشتم وموسیقی کار کردم. بعد از خدمت سربازی به‌استخدام آموزش‌وپرورش درآمدم وبه‌عنوان دبیر زیست‌شناسی به کاشمر رفتم. سال ۶۰ در کاشمر دوباره خط را بصورت جدی شروع کردم و سال ۶۲شعبه‌کاشمر انجمن خوش‌نویسان راره‌اندازی کردم. در همان سال‌ها بااستاد غلامرضا موسوی که خوش‌نویس آستان قدس رضوی بود واستاد مصطفی‌مهدی‌زاده‌کارکردم وبعدبااستاد امیرخانی آشنا شدم. استاد امیرخانی استاد اصلی من بود و ازمن حمایت می‌کرد،هم‌از لحاظ آموزش وهم‌اینکه آثارم راقبل از چاپ بررسی وتأیید می‌کرد. از سال ۷۰ تا ۷۵ نیز مسئولیت انجمن خوش‌نویسان مشهد رابر عهده داشتم.

- بعد درسال ۸۲ به تهران مهاجرت کردید. چه شد که این تصمیم راگرفتید؟

- به‌خاطر خوش‌نویسی بود. البته زمانی که‌درمشهد اقامت داشتم هم درتهران فعال بودم. دو نمایشگاه گذاشتم، درمسابقات مختلف جایزه‌گرفتم، چندین کتاب‌از جمله حافظ را کتابت کردم. خلاصه درکشور کارهای من معرفی شده وجا افتاده بود. در تهران من رامی‌شناختند ودیدم اینجا برایم عرصه‌بهتری است. همین‌طور هم شد.به‌تهران که‌امدم کتاب‌های بیشتری کتابت‌کردم.از جمله‌شاهنامه، حافظ، مولانا، سعدی و عطار می‌توانم ادعا کنم هیچ‌کس به‌اندازه من کتابت نکرده است و کتاب‌های آموزشی چاپ نکرده است.

- به‌نظرتان برای اینکه هنرمندان مشهدی بخواهند پیشرفت کنند چاره‌ای جز اینکه مهاجرت کنند ندارند؟ یعنی باید راهی را بروند که شما رفته‌اید؟

- نمی‌دانم، ولی من اهداف بلندی داشتم که بعد از مهاجرت به‌همه‌آن‌ها رسیدم. یکی از اهدافم برگزاری نمایشگاه در خارج ازکشور بود. الان کشورهای منطقه وحوزه خلیج‌فارس باآثار من آشنا هستند.

- به‌این‌ها درمشهد نمی‌توانستید برسید؟

به‌رحال مشهد محدودیت‌هایی دارد. بزرگ‌ترین



اهمیت می‌دهند، درحالی‌که ما مهد خوش‌نویسی هستیم. باز وضع خوش‌نویسان شناخته‌شده‌ای که‌آثاری راچاپ می‌کنندبه‌تر است ولی خوش‌نویسان زیادی هستند که تا کارشان به‌آن سطح برسد درتنگنای معیشتی قرار می‌گیرند. اقتصاد هنر وقتی قوی می‌شود که‌فرهنگ خرید آثار هنری رادر مردم به‌وجود بیاوریم. هرچا در طول تاریخ هنر در اوج گسترش بوده، پشتوانه‌های اقتصادی داشته است و هنرمندان به‌کار کردن تشویق شده‌اند.

- جدا از این موضوع که‌حتما هم لازم است، به‌نظرتان چقدر تلاش‌های هنرمندان وبه‌تبع آن انجمن خوش‌نویسان برای ایجاد جریان‌های نوآورانه وخلاقانه درخوش‌نویسی -که‌سلاقی جدید مخاطب امروزی را هم پوشش بدهد- درموضوع اقتصاد هنر مهم وتأثیرگذار است؟

خوش‌نویسان کار خودشان رامی‌کنند. من دست‌کم هر دو سال یک نمایشگاه داخل وخارج ازکشور می‌گذارم. هنرمندان دیگر هم همین‌طور دارند تلاش می‌کنند وآثار باارزشی راتولید می‌کنند، ولی اثر هنری باید خریده شود. باید مردم بدانند که‌اثر هنری یک سرمایه‌است که‌هرچه زمان بگذرد بر ارزش آن افزوده می‌شود.

- بااین همه ارزشی که‌آثار هنری دارند پس چرا نگاه سرمایه‌ای به‌آن‌ها نمی‌شود و کسی برای مثال یک تابلوی خوش‌نویسی نمی‌خرد؟ درست‌است که‌فرهنگ خرید آثار هنری باید ایجاد شود ولی سلیقه مخاطب را هم باید در نظر گرفت. شاید لازم باشد خلاقیت‌هایی درخوش‌نویسی ایجاد شود. این‌طور فکر نمی‌کنید؟

هنر خلاقیت‌را همیشه در ذات خودش دارد. هنرمندان خوش‌نویسی کم‌کاری نمی‌کنند. خوش‌نویسان خوب سالی حداقل یک نمایشگاه می‌گذارند. ولی توقعشان هم این است که‌این زحمتی که‌کشیده‌اند یک برگشت وبازخوردی داشته باشد که‌زندگی‌شان راتأمین کند. این جامعه است که‌باید مردم راترغیب به‌خرید آثار هنری بکند. حتی رسانه‌ها برای فروش آثار هنرمندان باید فعالیت کنند. وقتی مردم بیشتر

آثار هنری راببینند، به‌بودن آن‌ها در زندگی‌شان عادت می‌کنند. باید ابتدا این زمینه رافراهم کنیم. چند سال پیش مجلس مصوبه‌ای داشت که‌طبق آن مدیران می‌توانستند یک یا ۲ درصد بودجه‌شان راصرف خرید آثار هنری کنند. در متن مصوبه‌کلمه «می‌توانند، آمده است. در صورتی‌کلمه باید، به‌کار می‌رفت که‌آن مدیر مکلف باشد از ۲ درصد

بودجه‌ای که‌در سال می‌گیرد آثار آموزش‌وپرورش بخرد. این مصوبه خوبی برای پشتیبانی وحیات از هنرمندان بود ولی کامل نبود. در نتیجه شاید از هزاران مدیر کشور یکی دونفر به‌صورت نیم‌بند به‌آن عمل کردند. اگر همین مصوبه درست اجرا شود، خیلی مؤثر است. من شنیدم که‌تازه‌سا که‌ی شده نیم‌درصد. اگر همان نیم‌درصد هم اجرا شود، باز اتفاقی می‌افتد. هر کشوری که‌به هنر خودش اهمیت بدهد، هنر همیشه در همه زمینه‌ها دستگیرش خواهد بود. وقتی می‌خواهید ملتی رابشناسید اول سراغ آثار هنری آن کشور می‌روید. پیشرفت هنر شاخص پیشرفت یک کشور است، بنابراین حمایت از اقتصاد هنر باعث رشد فرهنگ درکشور می‌شود.

- شما از اولین هنرمندان مشهدی-بودید که‌زمانی که‌مشهد بودید نمایشگاه خارجی می‌گذاشتید. اما الان برگزاری نمایشگاه‌ها خیلی کم‌رنگ شده‌است، به‌ویژه درمشهد. بیشتر اساتید مشهد تمایل دارند در اکسپوهای تهران یا خارجی شرکت کنند. دلیلش چیست؟
- به‌خاطر این است که‌در این اکسپوها می‌توانند آثارشان رابفروشند. من بیشترین آثارم رادر کشورهای خارجی فروختم. ۲۵ سال پیش من، استاد افجه‌ای واستاد جلیل رسولی یک نمایشگاه مشترک دربی

گذاشتیم وتقریبا همه آثارمان هم فروش رفت. من سال بعد هم دو نمایشگاه دیگر در بی گذاشتم که‌خیلی از آن‌ها استقبال شد. الان کسی بخواهد در همین مشهد یک نمایشگاه خوش‌نویسی بگذارد، حداقل سی قاب می‌خواهد. یعنی ۱۵ میلیون پول قابش می‌شود. هر تابلو حداقل یک تا ۳ میلیون پول تذهیبش می‌شود. اگر پنج کار بفروشد، تازه می‌تواند هزینه‌هایش راتأمین کند. برای چه هنرمند باید این همه هزینه‌کند وبعد هم آثار راببرد به‌خانه‌اش؟ این آثار باید در خانه‌های مردم، در لابی هتل‌ها باشد. ما به شهرداری پیشنهاد دادیم که‌مجمع‌ها وبرج‌های مسکونی پیش از دریافت پایان کار ساختمانی مکلف شوند یک اثر هنری در لابی‌شان استفاده‌کنند. این‌ها برنامه‌ریزی می‌خواهد. بارها به‌مسئولان شهرداری گفتم ولی عمل نکردند. این فرهنگ جا نیفتاده است، در صورتی‌که‌در کشورهای توسعه‌یافته هنر در شهرها موج می‌زند. هرچا در شهرهایشان که‌پایت رامی‌گذاری با آثار هنری روبه‌رو می‌شوی.

- همین شرایط را نمی‌توانیم در شهر و کشور خودمان فراهم کنیم؟

من اگر مدیریت فرهنگی داشتم بایک ارتباط‌بامراکز اقتصادی دولتی وغیردولتی می‌توانستم زمینه‌ای فراهم کنم که‌اقتصاد هنر شکل بگیرد. ما پیشنهاد می‌کنیم، بعضی‌ها عمل می‌کنند و خیلی‌ها هم عمل نمی‌کنند. مسئولان فرهنگی ما اصلا نمی‌دانند فرهنگ چیست. مسئولان فرهنگی باید متخصصان فرهنگی، جامعه‌شناسان واستادان هنر باشند. وقتی کسی را که‌تخصص هنری ندارد می‌گذارند مسئول یک بخش از جامعه هنری، توسعه فرهنگی اتفاق نمی‌افتد. متولیان امر فرهنگ کشور باید خودشان از جامعه فرهنگی وهنری باشند که‌بتوانند برای هنرمندان کاری کنند. شما بپرسید در نمایشگاه‌های مشهد چند اثر فروخته‌می‌شود؟ هنرمندی که ۱۰۰ میلیون برای نمایشگاه هزینه‌می‌کند، چند اثر باید بفروشد که‌پولی از جیب نگذارد؟ در تهران چند کار فروخته می‌شود ولی باعث تأسف است که‌درمشهد که‌این همه‌بنگاه اقتصادی وجود دارد و این همه هتل هست، اثری فروخته نمی‌شود. رسانه‌هایی مانند شما هم باید فرهنگ خرید آثار هنری را جا بیندازند که‌هنرمند دلگرم باشد، حداقل هزینه نمایشگاهش درمی‌آید. هنرمند که‌نباید برای فرهنگ کشور از جیب خودش بگذارد.

- شهری مانند مشهد-که پایتخت فرهنگی جهان اسلامی در سال ۲۰۱۷ هم بوده

است، برای هنری مانند خوش‌نویسی که‌با آیات وروایات و اشعار اخلاقی سروکار دارد به‌نظرتان این ظرفیت را ندارد که‌تواند حداقل با کشورهای مسلمان منطقه ارتباط بگیرد و اکسپوهای هنری برگزار کند؟

مشهد از لحاظ هنرمند کمبود ندارد، از لحاظ خرید هنر کمبود دارد، اقتصاد هنر ندارد. مسئولان فرهنگی واقتصادی شهر باید به این مسئله فکر کنند. در صورتی‌که‌مسئولان فرهنگی شناخت هنری داشته باشند یا حداقل از مشاوران هنری استفاده کنند، مشهد این جایگاه را دارد که اکسپوهای بین‌المللی برگزار کند و در خوش‌نویسی پیشرو باشد. می‌توانند با موزه‌ها و مجموعه دارهای مختلف در داخل وخارج کشور ارتباط برقرار کنند ودر هر نمایشگاهی یاجشنواره‌ای که‌برگزار می‌کنند حداقل نصف کارها رابفروشند که‌هنرمند برای کار کردن دلگرم باشد. البته به‌شرطی‌که‌بازار دل‌ای گرم‌تر نشود. الان حراج‌های تهران فروش خوبی دارند ولی به‌دلایل مختلف چیزی به‌هنرمند نمی‌رسد. دلال‌ها بیشتر در حراجی‌ها سود می‌برند تا خود هنرمند. البته دلالان هنری هم باید کار خودشان رابکنند ولی حقوق هنرمند نباید ضایع شود، حداقل نصف آن به‌خود هنرمند برسد.



ساخت سریال‌های جدید درباره ۴ شهید

معاون سیمای سازمان صداوسیما کشورمان با حضور در منزل دو شهید، از تولیدات جدید سیماباموضوع شهید-از جمله زندگی‌نامه شهیدان لاجوردی، صدرزاده، نادر مهدوی وصدوقی- خبر داد. به‌گزارش شهرآرا به‌نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سیماکفت: ساخت سریال‌هایی باموضوع شهیدان لاجوردی، صدرزاده، نادر مهدوی وصدوقی رادر دستور کار داریم. وی ادامه داد: همچنین تولید مجموعه‌هایی از شهدای خبرنگار، همچون شهید رهبر و... و همچنین آثار کوتاهی باموضوع زندگی‌نامه شهیدان در قالب پویانمایی در حال تولید است. شهید مجتبی‌ندیمی در ۴۵ سالگی در پی حمله تروریستی در حرم شاه‌چراغ به‌فیض شهادت رسید و شهید مهدوی در سال ۸۷ در حسینییه سیدالشهدا^(ع) شیراز با انفجار بمب توسط گروهک تروریستی تندر به‌سرکردگی جمشید شارمهد به‌شهادت رسید.



«قاصدک» در گالری رادین

نمایشگاه گروهی نقاشی‌خط «قاصدک» در نگارخانه رادین مشهد برگزار شد. به‌گزارش شهرآرا، این نمایشگاه با آثار اساتیدی از جمله زاهدی، سلیمی،

فروغی، محمدیان، خراسانی، شجاعی‌پور، خادمی، فراستی وبلوچی تاروز سه‌شنبه، ۱۶ اسفند، از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برپاست. تنوع آثار از ویژگی‌های این نمایشگاه است که‌به‌دلیل حضور اساتیدمختلف درنمایشگاه قاصدک حاصل شده‌است. از اساتید پیشکسوت خوش‌نویسی همچون استاد زاهدی گرفته تااساتید جوان ونوگرا همچون استاد سلیمی که‌تنوع شایان توجهی به‌آثار این نمایشگاه داده‌است. در کنار برخی از آثار کلاسیک نمایشگاه گروهی نقاشی خط «قاصدک»، آثار انتزاعی شایان توجهی هم حضور دارد. به‌طور کلی در این نمایشگاه بازی باحروف وتصاویر انتزاعی در کنار آثار خوش‌نویسی چشم‌نواز است.

«آنگاه دیر» در گالری هنگام

نمایشگاه انفرادی نقاشی با عنوان «آنگاه دیر» با آثاری از فریده نصری از پنجم اسفندماه در گالری هنگام، واقع در بولوار خیام، بین خیابان ارشاد و ۸ آغازه‌به‌کار کرده‌است وتاامروز، روز یکشنبه، نیز ادامه خواهد داشت. زمان بازدید از این نمایشگاه عصرها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ است.



درخشش سینماگران مشهدی در فیلم ۱۰۰



به‌گزارش شهرآرا سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم صد درحالی جمعه‌شب، ۱۲ اسفندماه، با معرفی برگزیدگان به‌کار خود پایان داد که‌دو اثر به‌تهیه‌کنندگی حوزه‌هنری خراسان رضوی تندیس بهترین فیلم‌ها در بخش‌های مستند و داستانی رادریافت کردند. تندیس اولین بخش داستانی ملی به‌اثر «ردپا» به‌نویسندگی و کارگردانی مصطفی‌اعلمی اهدا شد. همچنین تندیس اول بخش مستند ملی به «مادر» به‌نویسندگی و کارگردانی نعمت... سرگلزایی تعلق گرفت. جایزه حمایت وبهترین فیلم انجمن سینمای جوانان به فیلم کوتاه داستانی «نشانه» به‌نویسندگی و کارگردانی سعید ولی‌زاده و تهیه‌کنندگی حوزه‌هنری خراسان رضوی رسید وانجمن سینمای جوانان از آثار بعدی این فیلم‌ساز حمایت خواهد کرد. همچنین در بخش کودک ونوجوان این جشنواره، تندیس سومی به فیلم «قاب دل‌تنگی» به‌کارگردانی محسن عقیلی از خراسان رضوی رسید.



در روزهای پایانی اسفند

حجت اشرف‌زاده به آرزویش رسید



فعالیت‌های متعددی داشته است، روز پنجشنبه، بیستم اسفندماه، برای اولین بار در زادگاه خود، نیشابور، کنسرتی برگزار خواهد کرد. این کنسرت که احتمال تمیید ای هم وجود دارد، روز پنجشنبه، بیستم اسفند، ساعت ۱۸ و ۲۰ با قیمت بلیت ۲۸۰۰ تا ۴۵۰۰ هزار تومان در سالن فرهنگ‌سرای سیمرغ شهر نیشابور میزبان مخاطبان موسیقی است. حجت اشرف‌زاده که طی سال‌های گذشته موفق به برگزاری کنسرت در زادگاه خود نشده بود و همواره در اجراهای زنده‌اش از علاقه‌مندی برای کنسرت در نیشابور سخن می‌گفت، با انتشار متنی توضیح داده است: این آرزوی سالیان سال من بود که در شهر خودم نیشابور اجرا داشته باشم و برایتان از عشق بخوانم تا زمان کوتاهی با عاشقانه‌ها کنار هم باشیم. دوستانم تلاش کردند تا این امر اتفاق بیفتد و من به آرزویم برسم؛ خواندن از ششق برای شما.

آثار خوش‌نویسی رسول مرادی